مجله علمی مطالعات پژوهشی در علوم انسانی آینده، ۱۴۰۵، دوره ۴، شماره ۱، ص ص ۷۵-۸۲

مجله علمی مطالعات پژوهشی

در علوم انسانی آینده

www.journalhi.com/hum/

نقش خانواده در ترویج فرهنگ مقاومت و مقابله با استکبار در اندیشه رهبر شهید امام خامنه‌ای

سیده زهرا موسوی تبار [۱،*]، سید بهاء الدین حسینی [۲]

۱- فارغ التحصیل مقطع کارشناسی ارشد فلسفه اسلامی دانشکده دارالحکمه قم , فارغ التحصیل مقطع کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث میبد یزد. ایمیل: zmoosavi178@gmail.com

۲- دکترای مدرسی معارف اسلامی دانشگاه معارف اسلامی قم , استاد مدعو دانشگاه اسلامی تهران واحد های شرق و جنوب. ایمیل: sbh123@gmail.com

* نویسنده مسئول

چکیده

خانواده در منظومه فکری اسلام و در اندیشه رهبر شهید امام خامنه‌ای به‌عنوان نخستین و اثرگذارترین نهاد تربیتی، نقش بنیادینی در شکل‌گیری هویت دینی، اخلاقی و اجتماعی نسل جدید ایفا می‌کند. بسیاری از باورها، ارزش‌ها و نگرش‌های انسان در بستر خانواده شکل می‌گیرد و از همین رو این نهاد در انتقال مفاهیم اساسی دینی، به‌ویژه فرهنگ مقاومت و گفتمان الهی جهاد و شهادت، از جایگاهی ویژه برخوردار است. در اندیشه رهبر شهید امام خامنه‌ای، فرهنگ مقاومت و روحیه جهاد و شهادت از عناصر اصلی هویت اسلامی و انقلابی جامعه به شمار می‌آید که موجب تقویت روحیه ایثار، مسئولیت‌پذیری، ظلم‌ستیزی و دفاع از ارزش‌های الهی می‌شود. بر این اساس، خانواده می‌تواند به‌عنوان نخستین پایگاه تربیتی، زمینه پرورش نسلی آگاه، متعهد و مقاوم در برابر تهدیدهای فرهنگی و اجتماعی را فراهم سازد. پژوهش حاضر با هدف تبیین نقش تربیتی خانواده در ترویج فرهنگ مقاومت و گفتمان الهی جهاد و شهادت در اندیشه رهبر شهید امام خامنه‌ای انجام شده است. پرسش اصلی پژوهش آن است که از منظر ایشان، خانواده از چه طریق و با چه سازوکارهای تربیتی می‌تواند روحیه مقاومت و مفاهیم جهاد و شهادت را در نسل جوان نهادینه سازد. روش تحقیق در این مقاله توصیفی ـ تحلیلی و مبتنی بر مطالعه منابع کتابخانه‌ای و تحلیل بیانات و دیدگاه‌های رهبر شهید امام خامنه‌ای درباره خانواده، تربیت نسل جوان و فرهنگ مقاومت است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که الگو بودن والدین در پایبندی به ارزش‌های دینی و انقلابی، تبیین آگاهانه مفاهیم جهاد، ایثار و شهادت در فضای خانواده، تقویت انسجام عاطفی و معنوی میان اعضای خانواده و آشنایی فرزندان با سیره پیامبر اکرم(ص)، اهل‌بیت(ع) و الگوهای معاصر ایثار و مقاومت از مهم‌ترین سازوکارهای تربیتی خانواده در گسترش فرهنگ مقاومت به شمار می‌آید. بر این اساس، تقویت نقش تربیتی خانواده می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری نسلی مؤمن، آگاه و مسئول در مسیر تحقق ارزش‌های اسلامی و انسانی باشد.

کلمات کلیدی: خانواده، تربیت دینی، فرهنگ مقاومت، جهاد، شهادت، اندیشه رهبر شهید امام خامنه‌ای

The Role of the Family in Promoting the Culture of Resistance and Confronting Arrogance in the Thought of the Martyred Leader Imam Khamenei

Seyedeh Zahra Mousavi Tabar[1,*], Seyyed Baha al-Din Hosseini [2]

1- M.A. Graduate in Islamic Philosophy, Dar al-Hikma Faculty, Qom, Iran M.A. Graduate, Faculty of Qur'anic and Hadith Sciences, Meybod, Yazd, Iran. Email: zmoosavi178@gmail.com

2- Ph.D. in Islamic Studies Education, University of Islamic Studies, Qom, Iran Adjunct Professor, Islamic Azad University, Tehran East and Tehran South Branches. Email: sbh123@gmail.com

* Corresponding Author

Abstract

In the intellectual framework of Islam and in the thought of the martyred leader Imam Khamenei, the family is regarded as the first and most influential educational institution, playing a fundamental role in shaping the religious, moral, and social identity of the new generation. Many human beliefs, values, and attitudes are formed within the family environment; therefore, this

institution holds a special position in transmitting essential religious concepts, particularly the culture of resistance and the divine discourse of jihad and martyrdom.In the thought of the martyred leader Imam Khamenei, the culture of resistance and the spirit of jihad and martyrdom are considered among the core elements of the Islamic and revolutionary identity of society. These concepts strengthen the spirit of sacrifice, responsibility, resistance against oppression, and the defense of divine values. Accordingly, the family, as the primary educational base, can provide the foundation for nurturing a conscious, committed, and resilient generation capable of confronting cultural and social challenges.This research aims to explain the educational role of the family in promoting the culture of resistance and the divine discourse of jihad and martyrdom in the thought of the martyred leader Imam Khamenei. The central question of the study is how, from his perspective, the family can institutionalize the spirit of resistance and the concepts of jihad and martyrdom among the younger generation through educational mechanisms.The research method adopted in this article is descriptive–analytical and is based on the study of library sources as well as the analysis of the statements and viewpoints of the martyred leader Imam Khamenei concerning the family, the upbringing of the younger generation, and the culture of resistance.The findings indicate that parents' role modeling in adhering to religious and revolutionary values, the conscious explanation of the concepts of jihad, sacrifice, and martyrdom within the family environment, strengthening emotional and spiritual cohesion among family members, and introducing children to the life and example of the Prophet Muhammad (PBUH), the Ahl al Bayt (AS), and contemporary models of sacrifice and resistance are among the most important educational mechanisms of the family in promoting the culture of resistance. Accordingly, strengthening the educational role of the family can contribute to nurturing a faithful, aware, and responsible generation committed to the realization of Islamic and human values.

Keywords: Family, Religious Education, Culture of Resistance, Jihad, Martyrdom, Thought of the Martyred Leader Imam Khamenei

مقدمه

خانواده در نگاه اسلام و در منظومه فکری رهبر شهید امام خامنه‌ای مهم‌ترین و بنیادی‌ترین نهاد تربیتی جامعه به شمار می‌آید؛ نهادی که شخصیت دینی، اخلاقی و اجتماعی انسان در آن شکل می‌گیرد و بسیاری از ارزش‌ها و باورهای بنیادین در بستر آن به نسل‌های بعد منتقل می‌شود. ایشان همواره بر این نکته تأکید کرده‌اند که خانواده نخستین مدرسه تربیت انسان است و اگر بنیان آن بر ایمان، معنویت و مسئولیت‌پذیری استوار باشد، می‌تواند زمینه پرورش نسلی مؤمن، آگاه و آماده برای دفاع از ارزش‌های الهی را فراهم سازد. در این چارچوب، خانواده نه تنها محل پرورش عاطفی و اخلاقی فرزندان است، بلکه بستر اصلی انتقال فرهنگ ایثار، مسئولیت اجتماعی و روحیه مقاومت در برابر ظلم و سلطه نیز محسوب می‌شود.

در اندیشه رهبر شهید امام خامنه‌ای، فرهنگ مقاومت و گفتمان الهی جهاد و شهادت از ارکان هویت اسلامی و انقلابی جامعه اسلامی به شمار می‌آید. ایشان مقاومت را نه صرفاً یک واکنش سیاسی، بلکه یک فرهنگ و یک منظومه ارزشی می‌دانند که ریشه در ایمان دینی، روحیه ایثار و باور به کرامت انسانی دارد. بر اساس این دیدگاه، پایداری در برابر سلطه و دفاع از حق و عدالت زمانی در جامعه نهادینه می‌شود که از طریق نهادهای تربیتی اصیل، به‌ویژه خانواده، به نسل‌های جدید منتقل گردد. از این رو خانواده می‌تواند نقش مهمی در انتقال این ارزش‌ها و تقویت روحیه مقاومت، مسئولیت‌پذیری و آمادگی برای دفاع از آرمان‌های الهی در میان اعضای خود ایفا کند.

با وجود اهمیت این مسئله، تحولات فرهنگی و اجتماعی معاصر و گسترش الگوهای تربیتی متأثر از فرهنگ‌های غیر بومی، کارکردهای تربیتی خانواده را با چالش‌هایی مواجه ساخته است. رهبر شهید امام خامنه‌ای بارها نسبت به تضعیف برخی ارزش‌های دینی و فرهنگی در فضای تربیتی جامعه هشدار داده و بر ضرورت تقویت نقش خانواده در تربیت نسل مؤمن، مسئول و مقاوم تأکید کرده‌اند. در چنین شرایطی توجه به ظرفیت‌های تربیتی خانواده برای ترویج فرهنگ مقاومت و گفتمان الهی جهاد و شهادت اهمیتی دوچندان می‌یابد.

از سوی دیگر، اگرچه در سال‌های اخیر پژوهش‌هایی درباره نقش نهادهای تربیتی در انتقال ارزش‌های اجتماعی و دینی انجام شده است، اما بررسی نظام‌مند نقش تربیتی خانواده در ترویج فرهنگ مقاومت و گفتمان جهاد و شهادت بر اساس اندیشه رهبر شهید امام خامنه‌ای همچنان نیازمند مطالعه و تحلیل بیشتر است. از این رو پرسش اصلی پژوهش حاضر آن است که خانواده از منظر اندیشه رهبر شهید امام خامنه‌ای چگونه و از چه طریق می‌تواند در ترویج فرهنگ مقاومت و گفتمان الهی جهاد و شهادت نقش‌آفرینی کند و چه سازوکارهای تربیتی در این فرایند مؤثر است؟

بر همین اساس، هدف این مقاله تبیین و تحلیل نقش تربیتی خانواده در گسترش فرهنگ مقاومت و گفتمان جهاد و شهادت در اندیشه رهبر شهید امام خامنه‌ای است تا از رهگذر بررسی دیدگاه‌های ایشان، تصویری روشن از کارکرد تربیتی خانواده در شکل‌دهی باورها، نگرش‌ها و رفتارهای مبتنی بر مقاومت، ایثار و مسئولیت اجتماعی در جامعه اسلامی ارائه شود.

۱-مفهوم شناسی

برای بررسی نقش خانواده در ترویج فرهنگ مقاومت و تقابل با استضعاف و استکبار، نخست لازم است مفاهیم اصلی این پژوهش به‌صورت روشن تبیین شود. مفهوم‌شناسی واژه‌هایی مانند استکبار و استضعاف زمینه فهم دقیق‌تر موضوع پژوهش را فراهم می‌سازد و چارچوب نظری بحث را مشخص

می‌کند. بدون تبیین مفهومی این واژه‌ها، تحلیل نقش تربیتی خانواده در انتقال این ارزش‌ها ممکن است با ابهام یا برداشت‌های متفاوت همراه شود. از این رو در این بخش تلاش می‌شود مهم‌ترین مفاهیم مرتبط با موضوع مقاله به‌صورت اجمالی بررسی و تعریف شود.

۱-۱- استکبار

استکبار در لغت عرب به معنای بزرگ‌پنداری و خودبرتربینی همراه با امتناع از پذیرش حق به کار می‌رود. در این معنا، استکبار حالتی است که فرد یا گروهی خود را برتر از دیگران دانسته و از روی تکبر در برابر حق یا دیگران سرکشی می‌کند. این واژه از ریشه «کَبَرَ» گرفته شده و دلالت بر طلب بزرگی و اظهار برتری دارد. (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج۵، ص۱۲۹)

در کاربرد لغوی دیگر در زبان عربی، استکبار به معنای تکبر، سرکشی و خودبزرگ‌بینی در برابر دیگران یا در برابر فرمان الهی آمده است؛ حالتی که فرد به سبب احساس برتری، از پذیرش حقیقت یا اطاعت سرباز می‌زند و نوعی روحیه طغیان و برتری‌جویی را نشان می‌دهد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص۴۳۷)

همچنین در برخی منابع لغوی عربی، استکبار به معنای طلب بزرگی و برتر دانستن خود نسبت به دیگران و رفتار از روی غرور و نخوت تعریف شده است؛ مفهومی که معمولاً با مفاهیمی مانند عُجب، کبر و طغیان پیوند دارد و نشان‌دهنده حالت روانی و رفتاری برتری‌طلبانه است. (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج۱۲، ص۴۵۶)

در زبان فارسی، استکبار به معنای خودبزرگ‌بینی، تکبر و برتر دانستن خود نسبت به دیگران به کار می‌رود؛ حالتی که فرد یا گروهی از موضع برتری با دیگران رفتار کرده و آنان را خوار و فروتر می‌پندارد. (معین، ۱۳۸۷، ج۱، ص۳۵۸)

همچنین در کاربرد فارسی، استکبار به معنای سلطه‌طلبی و برتری‌جویی قدرت‌ها یا افراد در برابر دیگران آمده است؛ مفهومی که غالباً در حوزه اجتماعی و سیاسی برای توصیف رفتار قدرت‌های زورگو و سلطه‌گر به کار می‌رود. (دهخدا، ۱۳۷۷، ج۲، ص۱۶۷۸)

در اصطلاح، استکبار به حالتی گفته می‌شود که فرد یا گروهی با احساس برتری و قدرت، از پذیرش حق سر باز زده و دیگران را تحت سلطه یا تحقیر قرار می‌دهد؛ در این معنا استکبار تنها یک صفت اخلاقی فردی نیست بلکه می‌تواند به صورت یک رفتار اجتماعی و ساختار سلطه‌گرانه نیز ظهور یابد. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج۱، ص۲۷۴)

در تعریف اصطلاحی دیگر، استکبار به نظام یا جریانی اطلاق می‌شود که با تکیه بر قدرت سیاسی، اقتصادی یا فرهنگی، در پی سلطه بر دیگر ملت‌ها بوده و آنان را از حقوق و استقلال خود محروم می‌سازد. (مطهری، ۱۳۷۵، ج۲، ص۴۸)

همچنین استکبار در معنای اصطلاحی به روحیه و ساختاری از برتری‌طلبی و سلطه‌جویی گفته می‌شود که بر اساس آن قدرت‌های برتر می‌کوشند اراده و منافع خود را بر دیگران تحمیل کنند و از طریق ابزارهای مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بر جوامع ضعیف تسلط یابند. (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ج۳، ص۱۱۲)

۱-۲- استضعاف

استضعاف در لغت عرب از ریشه «ضَعْف» گرفته شده و به معنای ناتوان شمردن، ضعیف پنداشتن یا به ضعف کشاندن دیگری است؛ به این معنا که فرد یا گروهی، دیگری را در موقعیتی قرار دهد که توانایی و قدرت او کاهش یابد یا از او سلب شود. در این کاربرد، استضعاف بیشتر ناظر به تحمیل ضعف بر دیگری و قرار دادن او در شرایط ناتوانی است. (ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ج۳، ص۳۶۳)

در کاربردی دیگر در منابع لغوی عربی، استضعاف به معنای خوار شمردن و فروتر دانستن شخص یا گروهی و برخورد با آنان از موضع برتری و سلطه آمده است؛ حالتی که در آن افراد یا گروه‌های قدرتمند با نگاه تحقیرآمیز، دیگران را فاقد قدرت و منزلت می‌دانند و آنان را تحت فشار قرار می‌دهند. (فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ج۳، ص۲۷۹)

در برخی فرهنگ‌های لغوی عربی، استضعاف به معنای طلب ضعف برای دیگری و قرار دادن او در شرایطی است که توان دفاع از خود یا بهره‌گیری از حقوقش را نداشته باشد؛ مفهومی که اغلب در روابط قدرت میان گروه‌های اجتماعی و سیاسی نیز به کار می‌رود. (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج۷، ص۱۴۲)

در زبان فارسی، استضعاف به معنای ضعیف شمردن یا ناتوان انگاشتن فرد یا گروهی به کار می‌رود و معمولاً به وضعیتی اشاره دارد که در آن افراد یا اقشاری از جامعه در اثر فشارها و محدودیت‌ها از قدرت و توان لازم محروم می‌شوند. (عمید، ۱۳۸۹، ج۱، ص۱۶۹)

در معنای فارسی دیگر، استضعاف به حالت محرومیت از قدرت و امکانات و قرار گرفتن در موقعیت ضعف در برابر قدرت‌های برتر گفته می‌شود؛ وضعیتی که می‌تواند در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی یا سیاسی شکل بگیرد. (انوری، ۱۳۸۲، ج۱، ص۳۷۸)

در اصطلاح، استضعاف به وضعیتی اجتماعی و سیاسی اطلاق می‌شود که در آن فرد یا گروهی به سبب ساختارهای قدرت، از دسترسی به حقوق، امکانات و قدرت تصمیم‌گیری محروم شده و در موقعیت ضعف و وابستگی قرار می‌گیرد. (صدر، ۱۴۰۰ق، ص۹۴)

استضعاف به فرآیندی گفته می‌شود که طی آن قدرت‌های مسلط با بهره‌گیری از ابزارهای مختلف، گروه‌هایی از جامعه را از توانایی رشد، استقلال و نقش‌آفرینی محروم ساخته و آنان را در حالت وابستگی و ضعف نگه می‌دارند. (طالقانی، ۱۳۶۲، ج۲، ص۵۱)

همچنین استضعاف در ادبیات اجتماعی و دینی به وضعیت مردمان یا ملت‌هایی گفته می‌شود که بر اثر سلطه و فشار قدرت‌های برتر، امکان بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و حقوق طبیعی خود را از دست داده و در جایگاه فرودست قرار گرفته‌اند. (حسینی بهشتی، ۱۳۷۹، ص۱۷۶)

۲- نقش بینشی خانواده در شکل‌دهی باورهای استکبارستیز در نسل‌ها

در اندیشه رهبر شهید، بررسی نقش بینشی خانواده در شکل‌دهی باورهای استکبارستیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا این نقش می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری نسلی آگاه، مستقل و مقاوم در برابر سلطه‌گری و بی‌عدالتی باشد. در ادامه، برخی از مهم‌ترین ابعاد این نقش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱- آگاهی‌بخشی درباره مفهوم ظلم و سلطه

رهبر انقلاب خانواده را اولین مدرسه انسان می‌دانند؛ جایی که ارزش‌ها، باورها و نگرش‌های اساسی در آن شکل می‌گیرد. به اعتقاد ایشان اگر خانواده‌ها روحیه عدالت‌خواهی و نفی ظلم را در فرزندان تقویت کنند، جامعه‌ای مقاوم در برابر سلطه شکل خواهد گرفت. ایشان می‌فرمایند:

«خانواده اولین محیط تربیت انسان است؛ آنچه کودک در خانواده می‌آموزد، پایه‌های شخصیت فکری و اخلاقی او را می‌سازد.»

(بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌ها، ۱۳۹۵)

در چنین چارچوبی، اگر والدین روحیه استقلال‌طلبی، عزت و نفی سلطه را به فرزندان منتقل کنند، این نگرش در نسل‌های بعدی نیز تداوم خواهد یافت.

در اندیشه رهبری، ظلم تنها یک رفتار فردی نیست، بلکه می‌تواند در قالب نظام‌های سلطه و استکبار جهانی نیز بروز پیدا کند. از این رو، آگاهی‌بخشی نسبت به سازوکارهای سلطه از وظایف مهم تربیتی محسوب می‌شود. ایشان در تعریف استکبار می‌گویند:

«استکبار یعنی قدرتی که می‌خواهد اراده خود را بر ملت‌ها تحمیل کند و آنها را زیر سلطه خود نگه دارد.»(بیانات در مراسم سالگرد رحلت امام خمینی، ۱۴ خرداد ۱۳۹۸)

بر اساس این نگاه، تربیت نسل‌ها باید به گونه‌ای باشد که آنان نسبت به چنین سازوکارهایی شناخت داشته و در برابر آن مقاومت کنند.

علاوه بر این، آشنایی فرزندان با پیامدهای ظلم و سلطه می‌تواند نقش مهمی در شکل‌گیری نگرش استکبارستیز در آنان داشته باشد. هنگامی که کودکان درک کنند که ظلم و سلطه چه آثار مخربی بر زندگی انسان‌ها دارد، به طور طبیعی تمایل بیشتری به مقابله با آن پیدا می‌کنند.

خانواده می‌تواند با بیان داستان‌های تاریخی، نمونه‌های واقعی از مقاومت در برابر ظلم و همچنین معرفی شخصیت‌هایی که در برابر سلطه ایستادگی کرده‌اند، این آگاهی را در ذهن فرزندان تقویت کند. چنین آموزش‌هایی باعث می‌شود که کودکان الگوهای مناسبی برای رفتار اجتماعی خود پیدا کنند.

در این فرایند، مهم آن است که آگاهی‌بخشی به صورت تدریجی و همراه با گفت‌وگو و تفکر انجام شود تا فرزندان بتوانند مفاهیم عدالت و ظلم را به صورت عمیق درک کنند. این نوع تربیت فکری در نهایت به شکل‌گیری نگرشی آگاهانه نسبت به سلطه و استکبار در نسل‌های آینده منجر خواهد شد. (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ج۳، ص۱۱۲)

در نتیجه، خانواده با ایجاد بستر آگاهی و شناخت درباره ظلم و سلطه می‌تواند نخستین گام را در تربیت نسلی بردارد که نسبت به بی‌عدالتی حساس بوده و در برابر استکبار و سلطه‌گری موضعی آگاهانه و مسئولانه اتخاذ می‌کند.

۲-۲- تقویت روحیه عزت‌نفس و کرامت انسانی

در اندیشه آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، تقویت روحیه عزت‌نفس و کرامت انسانی از اصول اساسی تربیت اسلامی و از پایه‌های شکل‌گیری شخصیت مستقل و مقاوم در برابر ظلم و سلطه به شمار می‌آید. ایشان با تکیه بر تعالیم اسلامی و سیره اهل‌بیت(ع)، بر این باورند که انسان مؤمن باید از درون دارای احساس عزت و کرامت باشد تا در برابر تحقیر، سلطه‌پذیری و وابستگی تسلیم نشود. ایشان می‌فرمایند:«اسلام به انسان عزت می‌دهد؛ اسلام نمی‌خواهد انسان در مقابل دیگران احساس حقارت کند.» (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۷۹)

از منظر رهبر انقلاب، خانواده نخستین محیطی است که شخصیت و احساس ارزشمندی انسان در آن شکل می‌گیرد. رفتار والدین، شیوه تربیت و نوع ارتباط عاطفی با فرزندان تأثیر مستقیمی بر شکل‌گیری عزت‌نفس آنان دارد. اگر کودک در محیطی آکنده از احترام، محبت و مسئولیت‌پذیری رشد کند، احساس کرامت و اعتماد به نفس در او تقویت خواهد شد. ایشان تأکید می‌کنند: «محیط خانواده باید محیط محبت، احترام و تربیت باشد تا فرزندان با شخصیت و با اعتماد به نفس پرورش پیدا کنند.»(بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌ها، ۱۳۹۵)

در اندیشه رهبری، عزت‌نفس فردی با عزت ملی و اجتماعی ارتباط مستقیم دارد. جامعه‌ای که افراد آن دارای روحیه کرامت و عزت باشند، در برابر سلطه‌طلبی قدرت‌های خارجی تسلیم نخواهد شد. به همین دلیل، تقویت این روحیه در نسل‌های جوان یکی از اهداف مهم تربیت اسلامی به شمار می‌آید. ایشان در این باره می‌گویند: «ملت ایران به برکت روحیه عزت و اعتماد به نفس توانست در مقابل قدرت‌های بزرگ بایستد.»(بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۹۷)

تقویت عزت‌نفس در خانواده همچنین از طریق تشویق توانایی‌ها و استعدادهای فرزندان امکان‌پذیر است. زمانی که کودکان احساس کنند که توانایی انجام کارهای مختلف را دارند و مورد حمایت خانواده هستند، اعتماد به نفس آنان افزایش می‌یابد.

این اعتماد به نفس باعث می‌شود که آنان در مواجهه با فشارهای اجتماعی یا سلطه‌گرانه، استقلال فکری و رفتاری خود را حفظ کنند. چنین افرادی کمتر تحت تأثیر سلطه و تحمیل دیگران قرار می‌گیرند و در برابر آن‌ها ایستادگی بیشتری نشان می‌دهند.

در واقع، عزت‌نفس یکی از پایه‌های مهم استقلال شخصیت انسان است. فردی که دارای عزت‌نفس باشد، نه تنها از حقوق خود دفاع می‌کند، بلکه نسبت به حقوق دیگران نیز حساس خواهد بود و در برابر هرگونه بی‌عدالتی واکنش نشان می‌دهد. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج۱، ص۲۷۴)

بنابراین، خانواده با پرورش روحیه عزت‌نفس و کرامت انسانی در فرزندان می‌تواند زمینه تربیت نسلی را فراهم کند که در برابر سلطه و استکبار تسلیم نمی‌شود و با حفظ عزت و استقلال خود در مسیر دفاع از حق و عدالت گام برمی‌دارد.

۲-۳- انتقال ارزش‌های عدالت‌خواهی به فرزندان

در اندیشه رهبر انقلاب، عدالت نه‌تنها یک اصل اخلاقی بلکه یک ضرورت اجتماعی و سیاسی است. ایشان با استناد به آموزه‌های اسلامی تأکید می‌کنند که جامعه اسلامی باید بر پایه عدالت شکل گیرد و نسل‌های آینده نیز با همین روحیه تربیت شوند. ایشان می‌فرمایند: «عدالت، مهم‌ترین هدف در نظام اسلامی است و همه باید برای تحقق آن تلاش کنند.» (بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۸۴)

بر همین اساس، آشنا کردن فرزندان با مفهوم عدالت و حساسیت نسبت به ظلم و تبعیض از مهم‌ترین وظایف تربیتی خانواده‌ها به شمار می‌آید. خانواده نخستین محیطی است که کودک در آن مفهوم عدالت را تجربه می‌کند. نحوه برخورد والدین با فرزندان، رعایت انصاف در میان اعضای خانواده و توجه به حقوق یکدیگر، همگی می‌توانند زمینه شکل‌گیری حس عدالت‌خواهی در ذهن کودک را فراهم کنند. زمانی که کودک می‌بیند حقوق او و دیگران در محیط خانواده رعایت می‌شود، به تدریج مفهوم عدالت در ذهن او نهادینه می‌گردد.

از سوی دیگر، گفت‌وگوهای خانوادگی درباره ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی نیز می‌تواند در انتقال این مفاهیم نقش مؤثری داشته باشد. زمانی که والدین درباره اهمیت رعایت حق دیگران و مقابله با بی‌عدالتی صحبت می‌کنند، کودکان با این مفاهیم آشنا شده و آن‌ها را در ذهن خود تحلیل می‌کنند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج۱، ص۳۲۵)

علاوه بر این، والدین می‌توانند با تشویق فرزندان به رعایت انصاف در رفتارهای روزمره، روحیه عدالت‌طلبی را در آنان تقویت کنند. برای مثال، آموزش رعایت نوبت، احترام به حقوق دیگران و توجه به نیازهای دیگران می‌تواند در شکل‌گیری این نگرش نقش مهمی داشته باشد. چنین آموزش‌هایی به تدریج باعث می‌شود که عدالت‌خواهی به یک ارزش درونی در شخصیت فرد تبدیل شود. فردی که عدالت را به عنوان یک اصل اساسی در زندگی خود پذیرفته باشد، در برابر بی‌عدالتی و سلطه‌گری نیز واکنش نشان خواهد داد.

در واقع، روحیه استکبارستیزی ارتباط نزدیکی با عدالت‌خواهی دارد؛ زیرا مقابله با استکبار در بسیاری از موارد به معنای دفاع از عدالت و مقابله با ظلم است. از این رو، تربیت عدالت‌محور در خانواده می‌تواند زمینه شکل‌گیری چنین نگرشی را در نسل‌های آینده فراهم سازد. (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص۲۱۲)

در نتیجه، خانواده با انتقال ارزش عدالت‌خواهی به فرزندان می‌تواند زمینه تربیت نسلی را فراهم کند که نسبت به بی‌عدالتی حساس بوده و در برابر هرگونه سلطه و استکبار موضعی فعال و آگاهانه داشته باشد.

۲-۴- تبیین تاریخ مقاومت و مبارزه با سلطه

از دیدگاه رهبر انقلاب، تاریخ تنها مجموعه‌ای از رویدادهای گذشته نیست، بلکه منبعی برای عبرت‌آموزی و تقویت هویت ملی و دینی است. ایشان تأکید می‌کنند که آگاهی از تجربه‌های تاریخی ملت‌ها، به‌ویژه تجربه‌های مقاومت در برابر سلطه، می‌تواند نسل‌های جدید را نسبت به ماهیت ظلم و استکبار آگاه سازد. ایشان می‌فرمایند: «ملت‌هایی که تاریخ خود را بشناسند، فریب دشمن و سلطه‌گران را نمی‌خورند.» (بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۸۸)

در اندیشه رهبری، انقلاب اسلامی ایران یکی از مهم‌ترین جلوه‌های مقاومت در برابر نظام سلطه جهانی محسوب می‌شود. ایشان بارها تأکید کرده‌اند که این انقلاب با تکیه بر ایمان دینی، وحدت مردم و رهبری امام خمینی(ره) توانست در برابر قدرت‌های بزرگ ایستادگی کند. رهبر انقلاب در این باره می‌گویند: «انقلاب اسلامی نشان داد که یک ملت می‌تواند با تکیه بر ایمان و اراده خود در مقابل قدرت‌های بزرگ بایستد.» (بیانات در سالگرد ارتحال امام خمینی(ره)، ۱۳۹۰) خانواده می‌تواند از طریق روایت داستان‌های تاریخی، معرفی شخصیت‌های برجسته و بیان رویدادهای مهم تاریخ، این آگاهی را به فرزندان منتقل کند. چنین روایت‌هایی علاوه بر افزایش آگاهی تاریخی، می‌تواند الهام‌بخش روحیه مقاومت در نسل‌های جدید باشد. (سبحانی، ۱۳۸۲، ج۲، ص۹۱)

همچنین بیان زندگی شخصیت‌هایی که در برابر ظلم ایستادگی کرده‌اند، می‌تواند الگوهای مناسبی برای فرزندان ایجاد کند. کودکان معمولاً از شخصیت‌هایی که دارای ویژگی‌های اخلاقی برجسته هستند الهام می‌گیرند و تلاش می‌کنند رفتارهای آنان را در زندگی خود الگو قرار دهند. این الگوها به تدریج به بخشی از نظام ارزشی فرد تبدیل می‌شوند و در تصمیم‌گیری‌ها و رفتارهای اجتماعی او تأثیر می‌گذارند. به همین دلیل، آشنایی با تاریخ مقاومت می‌تواند نقش مهمی در تقویت روحیه استکبارستیزی داشته باشد.

از سوی دیگر، شناخت تاریخ مبارزات ملت‌ها باعث می‌شود که فرزندان درک کنند آزادی و عدالت به آسانی به دست نیامده است، بلکه نتیجه تلاش‌ها و فداکاری‌های فراوان انسان‌ها در طول تاریخ بوده است. این شناخت می‌تواند حس مسئولیت اجتماعی آنان را تقویت کند. (جعفری، ۱۳۷۸، ص۱۴۶)

در نهایت، خانواده با تبیین صحیح تاریخ مقاومت و مبارزه با سلطه می‌تواند زمینه شکل‌گیری نگرشی آگاهانه و مسئولانه در نسل‌های آینده را فراهم کند؛ نگرشی که در آن دفاع از حق و مقابله با ظلم به عنوان یک ارزش اساسی تلقی می‌شود.

۳- نقش رفتاری خانواده در الگوسازی عملی فرهنگ مقاومت در جامعه

نقش رفتاری خانواده در الگوسازی فرهنگ مقاومت بسیار اساسی است. خانواده می‌تواند از طریق شیوه‌های مختلف رفتاری، مانند رعایت عدالت در روابط خانوادگی، تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری، ساده‌زیستی، مشارکت اجتماعی و دفاع از حق، زمینه شکل‌گیری نسلی مقاوم و آگاه را فراهم کند. چنین تربیتی نه تنها بر رفتار فردی فرزندان تأثیر می‌گذارد، بلکه در شکل‌گیری فرهنگ عمومی جامعه نیز نقش مهمی ایفا می‌کند.

۳-۱- الگوی عملی عدالت در روابط خانوادگی

یکی از مهم‌ترین جلوه‌های عدالت در خانواده، رعایت انصاف و پرهیز از تبعیض میان فرزندان است. رفتار عادلانه والدین در توجه، محبت و فرصت‌ها تأثیر زیادی در شکل‌گیری احساس امنیت و اعتماد در کودکان دارد. تبعیض میان فرزندان می‌تواند زمینه بروز حسادت، رقابت ناسالم و آسیب‌های عاطفی را ایجاد کند.رهبر انقلاب در این باره تأکید می‌کنند:

«در محیط خانواده باید عدالت و محبت حاکم باشد؛ تبعیض میان فرزندان و بی‌توجهی به حقوق آنان می‌تواند آثار منفی تربیتی به دنبال داشته باشد.»(بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌ها)

عدالت در خانواده تنها به رابطه والدین و فرزندان محدود نمی‌شود، بلکه در روابط میان همسران نیز اهمیت زیادی دارد. احترام متقابل، رعایت حقوق یکدیگر و تقسیم مسئولیت‌ها از مصادیق عدالت در زندگی مشترک است. چنین فضایی موجب شکل‌گیری محیطی آرام و سالم برای رشد اعضای خانواده می‌شود. رهبر انقلاب در این زمینه می‌فرمایند: «خانواده وقتی استحکام پیدا می‌کند که زن و مرد نسبت به یکدیگر با محبت، احترام و انصاف رفتار کنند.» (بیانات در دیدار زوج‌های جوان، ۱۳۹۲) خانواده نخستین محیطی است که کودک در آن رفتارهای عادلانه یا ناعادلانه را مشاهده و تجربه می‌کند. نحوه برخورد والدین با فرزندان، رعایت حقوق اعضای خانواده و شیوه حل اختلاف‌ها، همگی می‌توانند در شکل‌گیری نگرش رفتاری کودک نسبت به عدالت نقش داشته باشند. زمانی که والدین در رفتار خود عدالت را رعایت کنند، فرزندان این رفتار را به عنوان یک ارزش عملی درک می‌کنند. رعایت عدالت در خانواده به معنای توجه برابر به نیازها و حقوق اعضای خانواده است. زمانی که والدین در تصمیم‌گیری‌ها و برخوردها انصاف را رعایت می‌کنند، کودکان احساس امنیت و اعتماد پیدا می‌کنند. این تجربه عملی باعث می‌شود که آنان در آینده نیز عدالت را به عنوان یک اصل مهم در روابط اجتماعی خود در نظر بگیرند.

از سوی دیگر، مشاهده رفتارهای عادلانه در محیط خانواده به کودکان می‌آموزد که در برابر بی‌عدالتی سکوت نکنند. چنین تجربه‌ای زمینه شکل‌گیری روحیه مقاومت در برابر ظلم و سلطه را در شخصیت آنان فراهم می‌کند. زیرا عدالت‌خواهی یکی از پایه‌های مهم فرهنگ مقاومت در جوامع انسانی به شمار می‌آید. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج۴، ص۳۸۹)

۳-۲- تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری در محیط خانواده

رهبر انقلاب خانواده را نخستین مدرسه تربیت انسان می‌دانند و معتقدند بسیاری از ویژگی‌های اخلاقی و اجتماعی افراد در همین محیط شکل می‌گیرد. اگر در خانواده به فرزندان مسئولیت داده شود و آنان در امور مختلف مشارکت داشته باشند، حس تعهد و مسئولیت در آنان تقویت می‌شود. ایشان می‌فرمایند: «خانواده اولین محیط تربیت انسان است و بسیاری از خصلت‌های اخلاقی و اجتماعی انسان در محیط خانواده شکل می‌گیرد.» (خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌ها، ۱۳۹۵)

از دیدگاه رهبر انقلاب، واگذاری مسئولیت‌های متناسب با سن و توانایی فرزندان یکی از راه‌های مهم تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری است. مشارکت در کارهای خانه، احترام به نظم و تعهد در انجام وظایف، به کودکان و نوجوانان می‌آموزد که هر فرد در قبال خانواده و جامعه وظایفی دارد. ایشان تأکید می‌کنند:«باید فرزندان را از کودکی با وظیفه و مسئولیت آشنا کرد؛ این کار موجب می‌شود در آینده افراد مسئولیت‌پذیر و فعال در جامعه باشند.» (خامنه‌ای، بیانات در دیدار معلمان، ۱۳۸۶)زمانی که کودکان مسئولیتی را بر عهده می‌گیرند و نتیجه تلاش خود را مشاهده می‌کنند، احساس توانمندی و اعتماد به نفس در آنان شکل می‌گیرد. این احساس باعث می‌شود که آنان در آینده نیز در برابر مسائل اجتماعی و مشکلات جامعه احساس مسئولیت داشته باشند.

مسئولیت‌پذیری همچنین به فرزندان می‌آموزد که در برابر مشکلات تسلیم نشوند و برای حل آن‌ها تلاش کنند. چنین نگرشی در شکل‌گیری روحیه مقاومت و پایداری در برابر فشارها و دشواری‌ها نقش مهمی دارد. (افروز، ۱۳۸۲، ص۲۳۶) در نتیجه، خانواده با آموزش عملی مسئولیت‌پذیری می‌تواند نسلی را تربیت کند که در برابر چالش‌های اجتماعی و فرهنگی منفعل نباشد و برای دفاع از ارزش‌ها و حقوق جامعه خود تلاش کند.

۳-۳- الگوسازی ساده‌زیستی و پرهیز از مصرف‌گرایی

در اندیشه رهبر انقلاب، ساده‌زیستی یکی از آموزه‌های مهم اسلامی و از ویژگی‌های برجسته سیره پیامبر اسلام(ص) و اهل‌بیت(ع) است. ایشان معتقدند گرایش به تجمل‌گرایی و مصرف‌گرایی می‌تواند موجب تضعیف ارزش‌های اخلاقی و افزایش فاصله‌های اجتماعی شود. ایشان می‌فرمایند: «ساده‌زیستی یک ارزش است؛ مسئولان و آحاد مردم باید از اسراف و تجمل‌گرایی پرهیز کنند.» (خامنه‌ای، بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۹۰)

از دیدگاه رهبر انقلاب، خانواده مهم‌ترین محیط برای آموزش عملی سبک زندگی اسلامی است. کودکان و نوجوانان بیش از آنکه از توصیه‌های کلامی تأثیر بپذیرند، از رفتار و شیوه زندگی والدین الگو می‌گیرند. بنابراین اگر والدین در زندگی روزمره خود به قناعت، مدیریت مصرف و پرهیز از اسراف پایبند باشند، این رفتارها به‌طور طبیعی در شخصیت فرزندان نیز شکل می‌گیرد. ایشان تأکید می‌کنند: «اصلاح سبک زندگی باید از درون خانواده‌ها آغاز شود.» (خامنه‌ای، بیانات در دیدار مردم خراسان شمالی، ۱۳۹۱) ساده‌زیستی به معنای محرومیت نیست، بلکه به معنای مدیریت صحیح منابع و پرهیز از اسراف و زیاده‌روی است. چنین نگرشی باعث می‌شود که انسان وابستگی کمتری به مظاهر مادی پیدا کند و در نتیجه استقلال بیشتری در تصمیم‌گیری‌های خود داشته باشد. از سوی دیگر، ساده‌زیستی می‌تواند روحیه مقاومت و استقامت را در افراد تقویت کند. کسانی که به زندگی ساده و متعادل عادت دارند، در برابر فشارهای اقتصادی یا اجتماعی کمتر دچار ضعف و وابستگی می‌شوند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج۲، ص۱۱۵)

بنابراین، خانواده با ترویج رفتارهای مبتنی بر قناعت و ساده‌زیستی می‌تواند زمینه شکل‌گیری شخصیت‌های مستقل و مقاوم را در فرزندان فراهم سازد.

۳-۴- تقویت روحیه همکاری و همدلی در خانواده

یکی دیگر از جنبه‌های مهم تربیت رفتاری در خانواده، تقویت روحیه همکاری و همدلی میان اعضای خانواده است. زمانی که اعضای خانواده در انجام امور مختلف با یکدیگر همکاری می‌کنند، احساس تعلق و همبستگی در میان آنان تقویت می‌شود. این تجربه خانوادگی به فرزندان می‌آموزد که موفقیت‌های بزرگ اجتماعی نیز نیازمند همکاری و همبستگی جمعی است. فرهنگ مقاومت در جامعه نیز بدون روحیه همکاری و اتحاد میان افراد شکل نمی‌گیرد. خانواده می‌تواند با ایجاد فرصت‌هایی برای مشارکت جمعی در فعالیت‌های مختلف، این روحیه را در فرزندان تقویت کند. چنین تجربه‌هایی باعث می‌شود که آنان در آینده نیز در فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی مشارکت فعال داشته باشند. (قائمی، ۱۳۷۹، ص۱۷۲)

رهبر انقلاب خانواده را محیطی برای آرامش، محبت و رشد اخلاقی انسان می‌دانند. در چنین محیطی، همدلی و درک متقابل میان اعضای خانواده باعث ایجاد فضای اعتماد و صمیمیت می‌شود و زمینه تربیت سالم فرزندان را فراهم می‌کند. ایشان می‌فرمایند: «خانواده باید محیط محبت، صفا و همدلی باشد؛ این محیط است که می‌تواند انسان‌های سالم و متعادل تربیت کند.» (خامنه‌ای، بیانات در دیدار خانواده‌ها، ۱۳۹۵)

از دیدگاه رهبر انقلاب، همکاری در انجام مسئولیت‌های خانوادگی یکی از عوامل مهم تقویت روحیه همدلی است. مشارکت اعضای خانواده در امور خانه و کمک متقابل میان همسران و فرزندان موجب شکل‌گیری حس مسئولیت‌پذیری و احترام متقابل می‌شود. ایشان تأکید می‌کنند: «همکاری و همدلی در خانواده موجب استحکام بنیان خانواده و افزایش محبت میان اعضای آن می‌شود.» (خامنه‌ای، بیانات در دیدار زوج‌های جوان، ۱۳۹۲)

۳-۵- تقویت روحیه استقلال در تصمیم‌گیری

یکی از ویژگی‌های مهم انسان مقاوم، برخورداری از استقلال فکری و رفتاری است. خانواده می‌تواند با فراهم کردن فرصت‌هایی برای تصمیم‌گیری، این ویژگی را در فرزندان تقویت کند. زمانی که کودکان در برخی امور زندگی خود مشارکت داده شوند، احساس اعتماد به نفس و استقلال در آنان شکل می‌گیرد. والدین می‌توانند با راهنمایی و مشورت، به فرزندان کمک کنند تا پیامدهای تصمیم‌های خود را درک کنند و مسئولیت انتخاب‌های خود را بپذیرند. این فرایند به تدریج باعث شکل‌گیری شخصیت مستقل در آنان می‌شود. افرادی که از استقلال فکری برخوردارند، کمتر تحت تأثیر فشارهای بیرونی قرار می‌گیرند و در برابر سلطه‌های فکری و فرهنگی مقاومت بیشتری نشان می‌دهند. (جعفری، ۱۳۷۸، ص۲۲۴)

تقویت روحیه استقلال در تصمیم‌گیری یکی از مؤلفه‌های مهم تربیت فرزندان در خانواده است که در اندیشه آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای نیز مورد توجه قرار گرفته است. از نگاه ایشان، خانواده باید زمینه‌ای فراهم کند تا فرزندان به تدریج قدرت تفکر، انتخاب آگاهانه و مسئولیت‌پذیری در تصمیم‌های زندگی را به دست آورند.

رهبر انقلاب استقلال فکری را از نشانه‌های رشد شخصیت انسان می‌دانند. به اعتقاد ایشان، جامعه‌ای که افراد آن دارای قدرت تحلیل و تصمیم‌گیری مستقل باشند، کمتر دچار تقلید کورکورانه و تأثیرپذیری از جریان‌های انحرافی می‌شود. ایشان می‌فرمایند:

«جوان باید قدرت فکر کردن و تصمیم گرفتن داشته باشد؛ این از نشانه‌های رشد و بلوغ فکری است.»(خامنه‌ای، بیانات در دیدار جوانان)

خانواده نخستین محیطی است که کودک در آن شیوه انتخاب و تصمیم‌گیری را می‌آموزد. اگر والدین به فرزندان فرصت اظهار نظر بدهند و آنان را در برخی تصمیم‌های متناسب با سن‌شان مشارکت دهند، روحیه استقلال و اعتماد به نفس در آنان تقویت می‌شود. در این مسیر، والدین باید به جای تحمیل نظر، نقش راهنما را ایفا کنند و به فرزندان بیاموزند که درباره مسائل مختلف فکر کنند و پیامدهای انتخاب‌های خود را در نظر بگیرند.

استقلال در تصمیم‌گیری زمانی ارزشمند است که با مسئولیت‌پذیری همراه باشد. هنگامی که فرزندان یاد می‌گیرند برای انتخاب‌های خود پاسخگو باشند، شخصیت آنان متعادل‌تر و پخته‌تر شکل می‌گیرد. این مسئله آنان را برای پذیرش نقش‌های اجتماعی و مشارکت در جامعه آماده می‌کند. بنابراین، خانواده با تقویت استقلال در تصمیم‌گیری می‌تواند زمینه شکل‌گیری شخصیت‌های مقاوم و آگاه را در فرزندان فراهم سازد.

نتیجه‌گیری

در اندیشه رهبر شهید امام خامنه ای، خانواده نخستین نهاد تربیتی و بنیادی‌ترین عرصه شکل‌گیری شخصیت، هویت و نظام ارزشی انسان است. بخش عمده‌ای از گرایش‌ها، باورها و مهارت‌های اجتماعی افراد در همین محیط شکل می‌گیرد و سازوکارهای رفتاری آنان نسبت به عدالت، مسئولیت‌پذیری، همکاری، تاب‌آوری در برابر مشکلات و حساسیت نسبت به نابرابری‌های اجتماعی، از طریق الگوگیری از والدین و تجربه‌های خانوادگی نهادینه می‌شود. از این رو، نقش خانواده در ایجاد نگرش و رفتارهایی که به سلامت اجتماعی، پایداری اخلاقی و توانمندی افراد در برابر فشارهای فرهنگی و اجتماعی منجر می‌شود، نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای است.

اندیشه رهبر شهید نشان می‌دهد که خانواده‌هایی که ارزش‌هایی چون صداقت، عدالت‌محوری، همبستگی، مسئولیت‌پذیری، ساده‌زیستی، احترام متقابل و حل مسئله را به صورت عملی در روابط خود به‌کار می‌گیرند، بیشترین نقش را در پرورش نسلی آگاه و توانمند ایفا می‌کنند. این نسل در آینده قادر است با چالش‌های اجتماعی و فرهنگی به‌صورت فعال، متعادل و اخلاق‌محور برخورد کند و نسبت به نابرابری‌ها یا فشارهای بیرونی واکنش مسئولانه نشان دهد.

در مجموع، می‌توان گفت که خانواده زمانی بیشترین اثرگذاری را در تقویت سلامت اجتماعی و فرهنگی جامعه دارد که هم در سطح شناختی و هم در سطح رفتاری، ارزش‌های انسانی و اخلاقی را به‌صورت تلفیقی، اصولی و عملی منتقل کند. نتیجه چنین فرآیندی، شکل‌گیری نسلی است که از هویت روشن، استقلال فکری، قدرت تحلیل، مسئولیت اجتماعی و توان ایستادگی در برابر بی‌عدالتی برخوردار است و می‌تواند در مسیر ارتقای کرامت انسانی، عدالت اجتماعی و استحکام فرهنگی جامعه نقش مثبت و ماندگاری ایفا کند.

فهرست منابع

احمدی، سیداحمد. (۱۳۸۰). اصول و روش‌های تربیت در اسلام. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

افروز، غلامعلی. (۱۳۸۲). روان‌شناسی و تربیت کودک و نوجوان. تهران: انجمن اولیا و مربیان.

سبحانی، جعفر. (۱۳۸۲). منشور جاوید. قم: مؤسسه امام صادق(ع).

شریعتمداری، علی. (۱۳۷۵). تعلیم و تربیت اسلامی. تهران: امیرکبیر.

خامنه‌ای، سیدعلی. بیانات در دیدار دانشجویان و جوانان، ۱۳۷۷ تا ۱۳۹۸، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری.

خامنه‌ای، سیدعلی. بیانات در دیدار جمعی از جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱.

خامنه‌ای، سیدعلی. بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان، سال‌های مختلف.

طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

عمید، حسن. (۱۳۸۹). فرهنگ فارسی عمید. تهران: امیرکبیر.

فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق). کتاب العین. قم: دارالهجرة.

قائمی، علی. (۱۳۷۹). خانواده و مسائل تربیتی کودک. تهران: انجمن اولیا و مربیان.

مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۰). آموزش عقاید. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).

مرتضی، مطهری(۱۳۷۷) جامع آثار و نوشته‌های استاد مطهری ، تهران ، نشر صدرا..